

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: بهمن شفیق
۰۴ فبروری ۲۰۲۲

پنجصد سال پس از یوتوپیا - ۱: کارگران و مفتخورها

اگر تمام کاری که به چیزهای بی‌فایده اختصاص دارد به فعالیتهایی مفید تبدیل می‌شد و اگر تمام آنهایی که زندگی‌شان را به بطالت و تن‌پروری می‌گذرانند (و میزان مصرف هر کدامشان به اندازه دو نفر از کسانی است که کار می‌کنند) وادار می‌شدند که کار کنند، می‌توانید به آسانی تصور کنید که نسبت کوچکی از زمان کار برای انجام تمام امور ضروری و مفید و یا لذت بخش برای بشریت کافی بود.

بیش از پانصد سال قبل، در سال ۱۵۱۶، توماس مور، سیاستمدار و نظریه پرداز فرهیخته انگلیس، رساله کوچک یوتوپیا یا آرمانشهر را به رشته تحریر در آورد. مور در این رساله به توصیف جامعه کوچکی پرداخت که آن را یوتوپیا نامگذاری کرده بود. جامعه‌ای که بارزترین شاخص آن مالکیت همگان بر همه چیز بود. پرسش اصلی در بازخوانی آرمانشهر مور در این نیست که مور چگونه توانست در جامعه‌ای که در آغاز عصر رنسانس قرار داشت به تخیل دربارهٔ کمونیسمی بردارد که بسیاری از مؤلفه‌های کمونیسم علمی آینده را در خود حمل می‌کرد. پرسش این است که طبقه حاکم تا چه زمانی می‌تواند مانع تحقق آن جامعه آرمانی گردد که در زمان مور فقط رؤیای قدرتمند و جذاب آن وجود داشت و امروز تمام زمینه‌های مادی آن وجود دارند اما از آن رؤیای توانمند بیش از هاله نوری کوچک باقی نمانده است. هاله نوری که البته همچنان جان سخت به حیات ادامه می‌دهد.

رسم امور کار برای امرار معاش در یوتوپیای مور چگونه بود؟ با هم بخوانیم:

"برای فهم راه و روش زندگی آنان باید به یک نکته دقیقتر بنگریم. آنان تنها شش ساعت به کار می‌پردازند و شما چه بسا گمان کنید که نتیجه آن کمبود کالاهای اساسی خواهد بود. درواقع، ساعتهای کار آنان نه تنها برای فراهم کردن همه نیازمندی‌ها و وسایل آسایش زندگی به فراوانی بس است، بلکه فراوانی نعمت نیز فراهم می‌کند.

اگر در نظر آورید که چه بخش عظیمی از جمعیت در دیگر کشورها بیکاره است، این نکته را به آسانی در خواهید یافت. نخست آن که عموماً رسم است که زنان (که نیمی از تمام جمعیت هستند) کار نکنند، یا اگر معدودی از آنان کار کنند شوهرانشان عاطل بمانند. دو دیگر آن که انبوه کشیشان و مردان به اصطلاح اهل دین همگی بیکاره اند. بر این بیفزای همه مردمان ثروتمند، به ویژه زمینداران بزرگ را که نجباء و بزرگان نام دارند و خانواده‌های آنان را که فقط به درد نمایش می‌خورند و فاقد هر گونه استفاده‌ای اند. در شمار ایشان آور گدایان خرگردن و فربه را که خود را به

بیماری می‌زنند تا بهانه‌ای برای تنبلی شان ساخته باشند. آنگاه در خواهی یافت که شمار واقعی کارگرانی که نیازمندیهای بشریت را فراهم می‌کنند بسیار کمتر از آن است که گمان می‌کنی.

و اکنون بنگر که از این کارگران چه اندک شماری به کارهای برآستی ضروری گمارده می‌شوند. زیرا که ما که ارزش همه چیز را با پول می‌سنجیم، بسیاری از حرفه‌های زائد را به خاطر تجمل و بی بند و باری داریم. اگر توده کارگران ما تنها چیزهایی را فراهم می‌آوردند که مردم برای زندگی خوب نیاز دارند، چنان فراوانی از کالاها می‌بود و قیمت‌ها چنان فرو می‌افتاد که تاجران نمی‌توانستند از قبل سود آنان زندگی کنند.

اگر تمام کاری که به چیزهای بی‌فایده اختصاص دارد به فعالیت‌هایی مفید تبدیل می‌شد و اگر تمام آنهایی که زندگی‌شان را به بطالت و تن‌پروری می‌گذرانند (و میزان مصرف هر کدامشان به اندازه دو نفر از کسانی است که کار می‌کنند) وادار می‌شدند که کار کنند، می‌توانید به آسانی تصور کنید که نسبت کوچکی از زمان کار برای انجام تمام امور ضروری و مفید و یا لذت بخش برای بشریت کافی بود. به ویژه اگر لذت در محدوده اش قرار داشته باشد."

تولیدی بشر از آن زمان تاکنون هزاران بار افزایش یافته است. با این همه کارگران در هیچ نقطه‌ای از جهان نتوانسته اند به وضعیتی دست بیابند که با ۶ ساعت کار روزانه زندگی خود و خانواده خود را تأمین کنند. نه از آن رو که این امر امکانپذیر نیست. نه از آن رو که جامعه دچار کمبود خواهد شد. نه از آن رو که پایه‌های مادی تحقق چنین ایده ای فراهم نیست. بلکه فقط و فقط از آن رو که تحقق آن نیازمند در هم شکستن قدرت و فایق آمدن بر مقاومت انبوه بیکارگانی است که از همان زمان توماس مور زمام امور را در دست دارند. آن افزایش ظرفیت تولیدی در خدمت گسترش صف مفتخوران قرار گرفته است و از آن زمان تاکنون لایه‌های نوینی از مفتخوران نیز بر لشکر بیکارگان و پرازیت‌های جامعه افزوده شده اند.

در اوج تخیل، توماس مور کاملاً درست تشخیص داد. باید آن بیکارگان را نیز به کار گماشت. آنگاه با حتی کمتر از ۶ ساعت در روز و ۳۰ ساعت در هفته هم می‌توان جامعه‌ای سعادتمند داشت.

۹ بهمن [دلو] ۱۴۰۰

۲۹ جنوری ۲۰۲۲

<https://www.gutenberg.org/files/2130/2130-h/2130-h.htm#chap03>